

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۱

مشروعیت، ثبات سیاسی و امنیت در ایران (بازه زمانی ۱۳۶۸ - ۱۳۹۲)

محمد تقی پوریان^۱

مجتبی درفشان^۲

چکیده

میزان سنجش مشروعیت سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن همواره از دغدغه‌های اندیشمندان علوم سیاسی بوده است. گروهی مشروعیت سیاسی را با کارآمد بودن نظام سیاسی یکسان می‌دانند؛ یعنی یک نظام سیاسی زمانی مشروع می‌دانند که وظایف و کارکردهای متفاوت خویش را به درستی انجام می‌دهد، چنین شرایطی ثبات و امنیت را در جامعه به ارمغان می‌آورد. این برداشت از مفهوم مشروعیت، قرائتی کارکردگرایانه از نظام سیاسی دارد. تحقیق حاضر در پاسخ به این سؤال که «در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با چه مؤلفه‌هایی در ثبات سیاسی و امنیت کشور نقش آفرینی کرده است؟» انجام یافته است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و پرسشنامه دلفی بوده که بررسی آن نیز به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است لذا با مراجعه به ۲۰ نفر از استادان علوم سیاسی نظرات آن‌ها در سه دور دلفی اخذ و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. خلاصه نتایج نظرات جامعه آماری درباره سؤالات سه‌گانه این پژوهش که مبتنی بر فرضیه است به شرح زیر است:

۸۵ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «توانایی ایجاد و حفظ اعتقاد به نظام» را در خصوص مشروعیت سیاسی، ثبات و امنیت ایران مؤثر دانسته‌اند.

۱۰۰ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «رابطه مردم و حاکمیت» را برای مشروعیت سیاسی، ثبات و امنیت ایران مؤثر ارزیابی کرده‌اند.

۸۵ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «اعتماد مردم به نهادهای حکومتی» را برای مشروعیت سیاسی و در نتیجه ثبات و امنیت ایران مؤثر دانسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مقبولیت، مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی، امنیت، نظم

✦ مشروعیت، ثبات سیاسی و امنیت در ایران (بازه زمانی ۱۳۶۸ - ۱۳۹۲) ✦ ی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۲ ✦

مقدمه:

واژه مشروعیت در فرهنگ سیاسی مترادف با قانون است، زیرا آن چیزی مشروع است که قانونی باشد. البته مشروعیت دامنه وسیع تری از قانون دارد؛ امر مشروع باید منطبق بر حقوق مردم و عدالت و انصاف نیز باشد و سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه را در خود جای دهد. بدین ترتیب مشروعیت یک نظام، ناشی از هویت ارزشی و قانونی آن است و لذا در هر جامعه، میزان سنجش مشروعیت سیاسی با جامعه دیگر متفاوت است. گروهی نیز مشروعیت سیاسی را با کارآمد بودن نظام سیاسی یکسان می‌دانند؛ یعنی تنها آنگاه یک نظام سیاسی از مشروعیت برخوردار است که وظایف و کارکردهای متفاوت خویش را به درستی انجام می‌دهد. این برداشت از مفهوم مشروعیت، قرائتی کارکردگرایانه از نظام سیاسی دارد در مجموع، مشروعیت از دو وصف اساسی محوری برخوردار است: یکی «باور و اعتقاد به قدرت» و دیگری «تعهد و الزام» ناشی از آن. در این باره نیز باید توجه داشت که اولاً هیچ قدرت سیاسی، صرف نظر از منابع مشروعیتی و نوع نظام سیاسی، بدون وجود حداقلی از «اعتقاد و باور» استمرار پیدا نمی‌کند؛ بنابراین مشروعیت امکان بالقوه‌ای است که از طریق ایجاد ثبات و امنیت در هر نظام جامعه می‌تواند در زمینه‌های مختلف نقش مؤثری ایفاء کند. ثبات سیاسی لزوماً حذف امکان تغییرات مهم اجتماعی و سیاسی نیست بلکه ناظر بر فقدان نسبی برخی حوادث سیاسی «بی‌ثبات کننده» است که به صورت تغییر در ساختار قدرت و تغییر در حکومت از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز خودنمایی می‌کند. از این منظر می‌توان مشروعیت را پایه‌ای برای ثبات و امنیت در ساختار سیاسی و نهادهای اجرایی تلقی نموده و آن را مورد مطالعه قرار داد.

بیان مسئله:

مشروعیت هر نظام تا حدود زیادی تحت تأثیر ثبات و امنیت در جامعه است به این معنا که اگر مؤلفه‌های مشروعیت ساز در قالب مقبولیت، حضور مردم در صحنه، مشارکت در انتخابات و اعتماد به نهادهای حکومتی، وجود داشته باشد، آن جامعه از امنیت و ثبات نسبی برخوردار خواهد بود از سوی دیگر مسائل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی به دودسته تقسیم می‌شوند: دسته اول ناظر بر شاخص‌های نابسامانی سیاسی - اجتماعی است، دسته دوم متوجه قوه مجریه نظام است؛ به عبارت دیگر چنانچه ثبات سیاسی به مثابه هدف مورد مطالعه قرار گیرد، طی آن از نقش نهادهای مختلف در تقویت و یا تضعیف ثبات کشور سخن به میان می‌آید؛ اگر ثبات سیاسی به لحاظ موضوع قابل بررسی باشد، تأثیر آن بر فرآیند تحصیل سایر منافع، مدنظر قرار می‌گیرد. در این تحقیق ثبات سیاسی به لحاظ هدف مورد بررسی قرار گرفته تا جایگاه آن در مشروعیت که نقش محوری در حفظ امنیت جوامع ایفا می‌کند، مشخص گردد. بر این اساس دموکراسی‌های باثبات، نظام‌هایی هستند که در آن شاهد «تداوم بی‌وقفه دموکراسی سیاسی در یک مقطع زمانی

۵۹ + مشروعیّت، ثبات سیاسی و امنیت در ایران (بازه زمانی ۱۳۶۸ - ۱۳۹۲) +

مشخص «هستیم؛ یعنی چنین نظام‌هایی فاقد جنبش سیاسی مهم در مخالفت با قوانین یا اصول حاکم بر جامعه بوده و از مشروعیّت لازم برخوردار هستند؛ لذا مسئله و دغدغه محقق این است که مؤلفه‌های کلیدی مشروعیّت، ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران را در مقطع زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار داده و آن را واکاوی نماید.

ضرورت و اهمیت موضوع:

مطالعه ثبات و بی‌ثباتی کشورها یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی سیاسی است. بررسی نگرش دولت و جامعه سیاسی در کشورهای در حال توسعه به مقوله ثبات و بی‌ثباتی و شاخص‌های آن ضرورتی انکارناپذیر است. بررسی مفهوم بی‌ثباتی از منظر اندیشمندان و صاحب‌نظران و مطالعه ابعاد و دلایل مؤثر بر آن بسیار حائز اهمیت است. چنین مطالعه‌ای اگر با رویکرد تطبیقی همراه شود قادر است سیر تاریخی، نقاط ضعف، تعارضات و ناهمگونی‌های نظریه‌های مربوط به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی را در جامعه ایران آشکار سازد. حاکمیت و ثبات کشور ما در ابعاد گوناگون امری مهم بوده و هست، اما ساختار مبتنی بر دسته‌ای از عوامل که رابطه‌ای مستقیم با کارآمدی نظام سیاسی دارد مهم‌تر از آن است. در این راستا، تخصص، کارآیی و وابستگی کارگزاران به ارزش‌های نظام (به‌ویژه بعد از اتمام جنگ تحمیلی) از عوامل ساختاری ایران محسوب می‌گردد.

برای پایداری یک نظام، داشتن مشروعیّت الزامی است و مشروعیّت چیزی نیست جز پذیرش درونی و ارزیابی مثبت مردم از نظام. این ارزیابی بر اساس ارزش‌های مردم انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر یک نظام با ارزش‌های مردم و مبتنی بر اسلام باشد، مشروع و علی‌الاصول پایدارتر خواهد بود.

برای مشروعیّت نظام جمهوری اسلامی ایران -با توجه به شرایط خاص جامعه ما- نقش رهبری مذهبی بسیار مهم‌تر از نقش دولت است. رهبری مذهبی به‌عنوان یک امید در دل مردم و اقشار مختلف همواره نقش تعیین‌کننده و اصلاح‌کننده را دارد که همواره آن نکاتی را بیان می‌کنند که درد دل مردم است و این مهم‌ترین پایه مشروعیّت نظام را تشکیل می‌دهد.

با توجه به آنچه اشاره شد، بدون شک انجام مطالعه میدانی و فراگیر برای تحلیل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ایران در مقطع زمانی خاص و تعیین وزن مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آن یعنی مشروعیّت، ضرورتی انکارناپذیر است. از این‌رو توجه به اینکه پس از خاتمه جنگ تحمیلی عوامل مؤثر بر ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ایران، دولت‌ها را با مسائل گوناگون چالشی مواجه کرده، ارائه تحلیلی برای توضیح چگونگی تأثیر عامل مشروعیّت، دلیلی دیگر بر اهمیت پژوهش حاضر است.

هدف اصلی:

شناسایی مؤلفه‌های مشروعیّت نظام ج.ا.ا و میزان نقش‌آفرینی آن‌ها در ثبات سیاسی و امنیت در بازه زمانی ۶۸ تا ۹۲

سؤال اصلی:

در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با چه مؤلفه‌هایی در ثبات سیاسی و امنیت کشور نقش‌آفرینی کرده است؟

فرضیه اصلی:

مشروعیت نظام ج.ا.ا در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ با مؤلفه‌های مقبولیت، حضور مردم در صحنه، مشارکت در انتخابات و اعتماد به نهادهای حکومتی در ثبات سیاسی نظام نقش‌آفرینی نموده و نهایتاً منجر به تأمین امنیت سیاسی در کشور شده است.

پیشینه موضوع:

«مشروعیت و ثبات سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۲)» رساله دوره دکتری علی گلیانی که در دانشگاه تربیت مدرس به انجام رسیده موارد زیر را در بردارد:

«مشروعیت سیاسی در دوران مختلف به صور گوناگون و به‌عنوان کیفیت حکومت حاکمان در ارتباط با فرمان‌برداران، مطرح بوده و به مقتضای شرایط تاریخی دست‌خوش تحول گردیده است. این مفهوم در طول تاریخ اندیشه سیاسی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظام ارزشی حاکم، منظم به دیگر مفاهیم سیاسی مطرح‌شده؛ پس از قرون وسطی در قالب مباحث مربوط به تشکیل دولت، رضایت و قرارداد اجتماعی بیان گردیده است. در این رساله ابتدا موضوع مشروعیت و ابعاد گوناگون آن مورد بحث قرار گرفته و به‌منظور تبیین رابطه میان بحران مشروعیت و بی‌ثباتی سیاسی با ارائه نظریات برخی از اندیشمندان، بحران مشروعیت در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته، کشورهای در حال توسعه، مدل کمونیستی و نقش آن در پیدایش زمینه‌های بی‌ثباتی که رابطه مستقیمی با ضعف مشروعیت دولت‌ها دارد، بررسی گردیده، سپس به موضوع اصلی رساله یعنی به وجود آمدن زمینه‌های بی‌ثباتی در رژیم پهلوی از ۱۳۵۷-۱۳۳۲ و وقوع انقلاب اسلامی پرداخته است سؤال اصلی پژوهش موصوف عبارت است از این‌که: چرا رژیم پهلوی علیرغم برخورداری از عناصر محسوس قدرت مواجهه با بی‌ثباتی گردید؟ بر این اساس فرضیه زیر را مطرح نموده است:

حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ به دلیل نداشتن وجهه قانونی، عدم سازگاری با ارزش‌ها و اعتقادات اجتماعی و ناکارآمدی، قادر به تأمین هیچ‌یک از وجوه مشروعیت یعنی سندیت، اشتراک ارزش‌های سیاسی دولت با ارزش‌های اجتماعی و تأمین رضایت عمومی نگردید و در نتیجه به تناسب هر یک از ابعاد مشروعیت دچار فقدان مشروعیت، ضعف مشروعیت و مشروعیت‌زدایی گردید. با روی هم انباشته شدن این لایه‌ها، زمینه‌های بی‌ثباتی گوناگونی در نظام پهلوی، در قالب کودتا، مبارزات مسلحانه، فعالیت سازمان‌های مخفی، تظاهرات خشونت‌آمیز فراهم گردید. مهم‌ترین یافته رساله مذکور این است که رژیم پهلوی به دلیل ناسازگاری و عدم انطباق با قواعد

مستقر، ناتوانی در توجیه قواعد قدرت از طریق ارجاع به باورها و اعتقادات مشترک و ناکارآمدی در جلب رضایت مردم دچار ضعف مشروعیت گردیده و زمینه‌های بی‌ثباتی را فراهم نمود که نهایتاً منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد.

«سیمور مارتین لیپست»^۳، مشروعیت را ترکیب اساسی دو نوع مطالعه جدی پیرامون ثبات سیاسی می‌داند. وی ویژگی یک جامعه مشروع (باثبات) را این‌چنین بیان می‌کند: «نبود یک جنبش سیاسی عمده مخالف با قواعد دموکراتیک بازی در عرض ۲۵». وی بر این باور است که این جنبش‌های سیاسی چه کمونیست و چه فاشیست، تمامیت‌خواه هستند و باید حداقل ۲۰ درصد آراء را به دست آورد. این درصد موردنظر، از سوی سایر محققین موردانتقاد قرار گرفته است؛ زیرا بر اساس آن کشور الف با ۱۹ درصد آراء ضد نظام «باثبات» بوده و کشور ب با ۲۱ درصد «بی‌ثبات». (لیپست، ۱۳۸۵: ۲۱۵)

«نیدلر»^۴ در پژوهش‌های خود پیرامون توسعه در آمریکای لاتین، «مشروعیت» را بر اساس تعداد سال‌هایی که یک کشور طی یک دوره زمانی خاصی بر اساس قانون اداره شده است، می‌سنجد. او سال قانونی را سالی می‌داند که حداقل در شش ماه آن کشور توسط یک حکومت منتخب از طریق انتخابات کم‌و‌بیش آزاد اداره می‌شود، حکومت به‌طور کلی به رویه‌های قانونی و آزادی‌های مدنی احترام بگذارد و هیچ‌گونه دگرگونی حکومتی خارج از چهارچوب قانون صورت نگیرد. نگرش متفاوت لیپست و نیدلر به مفهوم مشروعیت، ابهام موجود در این واژه را می‌رساند و درجه اندازه‌گیری آن را دشوار می‌سازد. (لاریجانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

«روستو»^۵ در تعریف به مشروعیت سیاسی و بحران مشروعیت به نظریات لوسین پای^۶ توجه دارد. تأکید ویژه پای به نقش رهبری در حل بحران‌های مشروعیت در کشورهای مختلف نیز است. وی به دوراهی‌هایی اشاره می‌کند که پیش روی رهبران سیاسی کشورها قرار دارد. از جمله این تنگناها مسئله تعصب و همسازی است که زمانی رخ می‌دهد که یک کشور در حال توسعه با جهان خارج - یعنی بنیان‌گذار فرآیند توسعه - برخورد می‌کند. این مسئله منجر به آن می‌شد تا رهبران ملی بر سر دوراهی سخت وفادار ماندن به هنجارهای سنتی یا پذیرش نیاز به همسازی با واقعیت فشارهای خارجی و اخذ هنجارهای جدید قرار گیرند. لوسین پای معتقد است که اختصاص امتیاز به هر یک از این حالت‌ها چنانچه بدون توجه به سایر شرایط صورت گیرد، منجر به بروز بحران مشروعیت حاد برای نظام سیاسی می‌شود که ثبات نظام سیاسی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۲۳) چنانچه مشاهده می‌شود در نگاه پای «ثبات

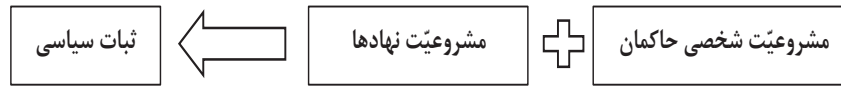
3. Lipset

4. Nidler

5. Rostow

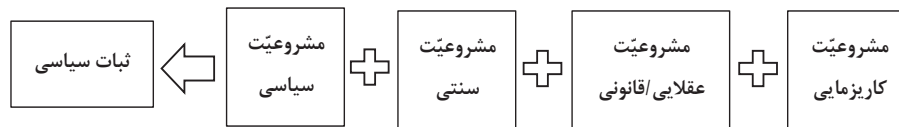
6. Pye

سیاسی رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظامی سیاسی دارد که این برگرفته از تعریف «روستو» از ثبات سیاسی است. روستو ثبات سیاسی را این گونه تعریف می نماید:



ابعاد مشروعیت و ثبات سیاسی

از این رو «روستو» مشروعیت نهادها و مشروعیت شخصی حاکمان را برگرفته از سنت قانون و کاریزما می داند. همچنین وی معتقد است مشروعیت چهار نوع است: مشروعیت کاریزمایی، مشروعیت عقلایی- قانونی، مشروعیت سنتی و مشروعیت سیاسی که در حوزه مشروعیت سیاسی باید ترکیب متوازنی از تمامی گونه‌ها وجود داشته باشد و در هیچ مقطع تاریخی نمی توان شکل خالصی از هیچ یک از انواع سه گانه اقتدار را یافت. در نتیجه بحران مشروعیت با از بین رفتن شکلی از اقتدار و برقراری شکل دیگری از آن توأم نیست. (روستو، ۱۹۷۶: ۱۵۷)



تأثیر ترکیب متوازن اقسام مشروعیت در ثبات سیاسی

روش پژوهش:

روش پژوهش در تهیه این مقاله توصیفی- تحلیلی است که اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و دلفی گردآوری شده است:

الف. تعیین چارچوب نظری: ابتدا با بررسی نظرات ثبات سیاسی در نزد اندیشمندان غربی و بیانات رهبری نظریه ساختار/ کارگزار که قابل انطباق با ثبات سیاسی ایران است انتخاب گردید، سپس بر اساس آن مؤلفه‌های متغیر مشروعیت، برای سنجش احصا شد.

ب. بررسی از منابع مطالعاتی: گردآوری هدفمند اطلاعات به گونه‌ای که طبق آن بتوان مسئله را به نحو تعمیم‌پذیر تحلیل کرد. این اطلاعات با توجه به مؤلفه‌های مربوط به متغیر مشروعیت در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ گزینش شد. پس بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده، نوبت تحلیل آن‌ها بر مبنای چارچوب نظری تعیین شده می‌رسد.

با توجه به توضیحات فوق متون مورد بررسی بر اساس داده‌های پرسشنامه دلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:

با توجه به اینکه گردآوری اطلاعات تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای و دلفی بوده است لذا با مراجعه به ۲۰ نفر از استادان علوم سیاسی نظرات آن‌ها در سه راند اخذ و مورد بهره‌برداری قرار گرفت که به لحاظ اشباع نظری و انطباق جامعه آماری با حجم نمونه، نیازی به نمونه‌گیری نبوده است.

مبانی نظری:

لوسین پای، مشروعیت سیاسی و یا عدم آن وفاداری به هنجارهای سنتی یا پذیرش هنجارهای جدید را در ثبات و بی‌ثباتی سیاسی مطالعه نموده است. (پای و دیگران؛ ۱۳۸۰: ۲۲۳) دیوید ساندرز، شاخص‌های نسبی بی‌ثباتی سیاسی را در قالب چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز مورد مطالعه قرار داده است. (ساندرز؛ ۱۳۸۱: ۲۹).

در این تحقیق بیانات مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم مشروعیت سیاسی که بر مبنای ثبات سیاسی و نقش آن در حفظ آرامش و امنیت کشور قابل توجه است، به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است؛ براین اساس مؤلفه‌های زیر از بیانات مقام معظم رهبری تعیین گردیده است: ۱. ثبات سیاسی ضرورتی است که موجب پرهیز از فقدان آرامش و در نتیجه برقراری امنیت و مشروعیت نظام در جامعه می‌شود.

۲. ثبات سیاسی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی مهم‌ترین خواسته مردم بوده و هست که مشروعیت را در پی دارد.

۳. حضور یکپارچه مردم در صحنه در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از الزامات ثبات سیاسی، امنیت و مشروعیت در جامعه است.

۴. حفظ آرامش سیاسی کشور توسط مسئولان و نخبگان حکومتی و غیر حکومتی از عوامل داخلی مؤثر در ثبات سیاسی، امنیت و مشروعیت به‌شمار می‌رود.

۵. برای تحقق ثبات سیاسی و تداوم آن سه عامل اصلی نقش‌آفرینی می‌کنند که عبارت‌اند از دخالت دین در سیاست، مسئولان مبتنی بر ایمان و وظیفه و نهایتاً تلاش مردم بر مبنای دو شاخصه ایمان و بصیرت؛ شایان ذکر است که هر یک از این عوامل نتیجه مطلوبی در مشروعیت نظام به‌دنبال دارد.

با توجه به آنچه در موارد پنج‌گانه بالا مطرح شد می‌توان گفت که نقطه اشتراک این موارد بر اساس اهداف تحقیق حاضر، مشروعیت نظام به‌عنوان متغیر اصلی در مطالعه ثبات سیاسی و امنیت در ایران است که مورد بررسی قرار گرفته و به مؤلفه‌های آن پرداخته شده است:

مفهوم مشروعیت سیاسی:

برای واژه مشروعیت در باب سیاست و حکومت تعاریف و معانی فراوانی ذکر کرده‌اند از جمله: اعتدال. یا عدالت، قانونی بودن، حق حاکمیت داشتن، کارآمدی؛ اما می‌توان گفت که مشروعیت

توجیهی از حاکمیت است، یعنی توجیهی از حق فرمان دادن و اطاعت کردن. قدرت هنگامی مشروعیت پیدا می‌کند که فرمان و اطاعت، توأم با حق و حقانیت تلقی شود. چنین امری لازمه استمرار قدرت است، زیرا قدرت در ذات خود متضمن نابرابری است و در میان نابرابری‌های انسانی، هیچ‌یک به اندازه نابرابری ناشی از قدرت و حاکمیت نیازمند توجیه نیست. مشروعیت پاسخی به این پرسش است که به چه دلیل عده‌ای از انسان‌ها حق فرمانروایی دارند و دیگران وظیفه اطاعت؛ به عبارت دیگر، حق حکومت برای حاکمان و قبول آن از سوی مردم همان مشروعیت است که به ثبات سیاسی یک جامعه منتهی می‌شود. (زارع، ۱۳۸۰: ۵۸) در درون مشروعیت و به هنگام کالبدشکافی این واژه با دو مطلب مواجه می‌شویم: اول، ایجاد حق حکومت برای حاکمان و دوم، پذیرش آن حق از جانب مردم. در واقع توجیه حق حکومت برای حاکمان و دوم، پذیرش آن حق از جانب مردم. در واقع توجیه حق حکومت برای حاکمان و پذیرش آن حق از سوی حکومت شوندگان تشکیل‌دهنده اجزای مفهومی مشروعیت هستند. اگر حکومت حکومتگران و حکومت‌پذیری حکومت شوندگان را الزام و التزام سیاسی بنامیم، می‌توان گفت که پرسش از چرایی الزام و التزام سیاسی پرسش از مشروعیت است. تعریف تقابلی و واژه مخالف و مقابل مشروعیت - از باب تعرف الاشياء بأضدادها - غصب است و لذا مقابل حکومت‌های مشروع، حکومت‌های غاصب قرار دارد. (حائری، ۱۳۸۳: ۵۶)

مشروع بودن یک نظام سیاسی، یعنی اینکه آن نظام مبین اراده عمومی است و توانایی ایجاد و حفظ این اعتقاد را دارد که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند. بدین‌سان اقتدار و مشروعیت، هر دو، ارتباطی نزدیک با مفهوم تعهد و الزام به فرمان برداری می‌بایند و اقتدار، متضمن فرض مشروعیت می‌گردد. ماتی‌ه دوگان در توضیح معنای مشروعیت می‌گوید: مشروعیت، باور بدین امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور مفروض، محقق است فرمان صادر کند و شهروندان موظفاند به آن گردن نهند. مفهوم مشروعیت را می‌توان از طریق پیمایش، یعنی اندازه‌گیری اعتماد مردم به نهادهای حکومتی، ایمان به رهبران و میزان حمایت از رژیم‌ها، موردسنجش قرارداد. چنانچه مردم باور داشته باشند که نهادهای جامعه‌ای مفروض، مناسب و از نظر اخلاقی موجه است، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای یادشده، مشروع است. بدین‌سان می‌توان گفت اصولاً مشروعیت به رابطه مردم و حاکمیت بازمی‌گردد؛ به علاوه امری ذهنی است و بنابراین در جوامع مختلف، در ابعاد و سطوح متفاوتی معنا پیدا می‌کند و نمی‌توان قالب‌های عینی مشخصی برای آن در نظر گرفت.

ثبات سیاسی:

از مهم‌ترین ویژگی‌های علوم انسانی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص، می‌توان به نسبی بودن بسیاری از مفاهیم و تعاریف آن‌ها اشاره کرد. مفهوم ثبات و بی‌ثباتی سیاسی نیز از این

مسئله استثنا نیست. از این رو می‌توان گفت توافقی بر سر ملاک تعریف و یا معیار مطالعه آن وجود ندارد اما تعاریف مفاهیم مرتبط با ثبات و بی‌ثباتی سیاسی عبارت‌اند از:

نظم، امنیت و ثبات سیاسی:

الف- نظم:

نظم پیش‌شرط زندگی اجتماعی است که بدون وجود آن، الگوهای پایداری از ترتیبات اجتماعی سایر نیازها و امیال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی را نمی‌توان برآورده ساخت؛ بنابراین نظم برای تأمین مصالح و ارزش‌های خاصی جوامعی که می‌کوشند برای خودشان برآورده سازند، اهمیت اساسی دارد.

«نظم الگوی پایداری از ترتیبات اجتماعی که واجد هر دو بعد ساختاری و کارکردی است. بعد ساختاری ناظری بر چگونگی آرایش یافتن امور و سرشت روابطی است که میان اجزای تشکیل‌دهنده کل وجود دارد این همان بُعدی است که از آن با عبارت حسن ترتیب اجزای متفاوت به نحوی که هر یک در مناسب‌ترین جایگاه قرار داشته باشد، یاد می‌کرد. بعد کارکردی ناظر بر هدف ترتیبات است. برای نمونه یک دولت می‌تواند در تقویت آزادی فردی یا آزادی جمعی، برای تمرکز روندهای تصمیم‌گیری یا تمرکززدایی از آن ساختار بندی شود. وقتی اجزای تشکیل‌دهنده در جایگاه درخور خود، آرایش و هدف موردنظر را برآورده سازند، گفته می‌شود که کل، نظم درستی دارد. نظم با تکرار یک الگو در گذر زمان قانون‌مندی‌های ساختاری و اهدافی کارکردی به وجود می‌آورند که تعادل اجتماعی را واجد میزان معینی از ثبات و شاید حتی پیش‌بینی‌پذیری می‌سازند. از این جهت نظم نقطه مقابل هرج‌ومرج و بی‌نظمی است. در سطح حداقل، این انتظار وجود دارد که جوامع سیاسی برخوردار از نظم خوب، امکان همکاری را فراهم سازند و خشونت بی‌دلیل را از میان بردارند.» (گریفیتس، ۲۰۰۵: ۹۸۸)

ب- امنیت:

امنیت مفهوم پیچیده و مرکبی از آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی است که مولفه‌های آن با نگاهی بومی در سه گانه زیر مطرح می‌گردد:

۱ - حفظ تمامیت ارضی به عنوان مولفه قطعی؛

۲ - انسجام جامعه‌ای و کاهش منابع گسست و شکاف در میان ساکنان کشور؛

۳ - مداومت (زمانی) و فراگیری (مکانی) حکومت (نصری، ۱۶۵: ۱۳۹۰).

با توجه به تعریف فوق، مولفه سوم (در خصوص مداومت و فراگیری حکومت) که منجر به ثبات سیاسی می‌گردد، نقش موثری در مشروعیت نظام ایفا می‌کند. بنابراین با نگاهی به ثبات سیاسی، می‌توان گفت: مشروعیت در واقع حفظ ثبات نظام است که از طریق انطباق خواست‌های شهروندی با کارویژه‌های دولتی تحقق می‌یابد و امنیت برای سامان سیاسی-اجتماعی از ضروریات آن

محسوب می‌گردد. چنانچه عکس این حالت در جامعه‌ای اتفاق بیفتد نظام سیاسی حاکم بر آن، به درجه‌ای از بی‌ثباتی سوق پیدا می‌کند که مشروعیت را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی در ج.ا.ا:

اهمیت مشروعیت از این جهت است که اصولاً بقا و دوام هر حکومت و یا نظام سیاسی بستگی تام به کیفیت و میزان مشروعیت آن نظام داشته و خواهد داشت. مشروعیت به‌عنوان عامل اصلی در ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری داشته و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از:

۲. مقبولیت نظام:

همه حکومت‌ها برای بقاء و استمرار و نیز تقویت پایه‌ها و بنیادهای حکومتی ناچار به بازشناسی مبانی مشروعیت نظام سیاسی خویش‌اند تا با پشتیبانی از آن بتوانند حق فرمانروایی را از آن خود قرار داده و نیز به‌منظور پیشگیری از هرگونه بحران مشروعیت به تقویت و گسترش دایره حقانیت و مقبولیت خود در جامعه بپردازند. مشروعیت، یک مفهوم هنجاری و تجربی است. از حیث هنجاری به این معناست که آیا یک سیستم سیاسی مشروعیت دارد؟ آیا حکومت یا دولت، مستحق فرمان‌برداری است؟ کاربرد بسیار جالب‌تر مشروعیت ممکن است از حیث تجربی و در استفاده این واژه در علوم سیاسی مخصوصاً جامعه‌شناسی سیاسی باشد. در جامعه‌شناسی سیاسی، توجه عمدتاً به روی این مطلب است که چگونه یک سیستم سیاسی در نظر اکثریت شهروندان مشروع تلقی می‌گردد؟ در این راستا «نکته عمده‌ای که متفکرین سیاسی را به خود مشغول داشته این است که چه چیزی به یک حکومت این حق را می‌دهد که با استفاده از قدرت به شهروندان حکمرانی نمایند و کدام قدرت اعمال‌شده‌ای حق اعمال داشته است؟ بنابراین مشروعیت بعد ضروری و لازم هر دولتی است که شکل‌گیری، پایداری و تداوم نظام‌ها و حکومت‌ها به آن بستگی دارد. مشروعیت هم موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری مسئولان اجرایی حکومت می‌شود (به علت اعتبار و اقتداری که کسب می‌کنند) وهم این قدرت را تحدید و کاهش می‌دهد.» (حاتمی، ۱۳۸۴: ۲)

«مسئله مشروعیت، در واقع ناظر بر حق و حقانیت است و در برابر غصب^۷ قرار دارد، چه حکومتی دارای حق حکم راندن است؟ این حق به‌وضوح با مسئله دیگری پیوند می‌خورد: «چرا شهروندان باید از حکومتی پیروی کنند؟»، «لزوم اطاعت از فرمان‌های یک حکومت» و «حق صدور فرمان از ناحیه حکومت» دو امر کاملاً بهم‌پیوسته است و مسئله مشروعیت یعنی تحقق این دو امر.» (لاریجانی، ۱۳۷۹: ۶) بنابراین مردم بر مبنای اعتقادات خود و نامشروع دانستن حکومت پهلوی، ضمن پیروی از ارزش‌های انقلاب اسلامی و قبول رهبری حضرت امام خمینی (ره) عملاً حق حکمرانی را از سلطنت پهلوی گرفته و با غاصب خواندن آن، لزوم اطاعت و حق صدور فرمان

حکومتی را از آن ساقط کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی به علت اعتبار و اقتدار رهبری حضرت امام خمینی (ره)، حقانیت و مقبولیت نظام جمهوری اسلامی ایران بر همگان مسجل شد و این دو ویژگی تاکنون که ۳۵ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد مشروعیت نظام را تأمین کرده است.

۲. حضور مردم در صحنه و مشارکت در انتخابات:

بیشتر حکومت‌ها و شاید همه آن‌ها می‌کوشند با دست‌کاری در دانسته‌ها، در فکر یا در باورهای شهروندان خود، مشروعیت را بسازند (سلطه ایدئولوژیک). روشن‌ترین مثال دست‌کاری ایدئولوژیک را می‌توان در رژیم‌های توتالیتری دید که ایدئولوژی رسمی را تبلیغ می‌کنند و همه آیین‌های فکری، آموزه‌ها و باورهای مخالف و رقیب را بی‌رحمانه سرکوب می‌نمایند. اما به نظر می‌رسد نظام‌های توتالیته ابزارهای کافی جهت استمرار اعمال اقتدار خویش را در درون خود تعبیه نکرده و بدین سبب کسب مشروعیت از این طریق نمی‌تواند برای مدت‌زمان قابل‌ملاحظه‌ای، پایداری نظام را تضمین نماید.

در نظام‌های ایدئولوژیک صرف‌کامه تلاش خود را مصروف شکل‌دهی افکار حکومت‌شوندگان خود داشته‌اند، این امر پررنگ‌تر جلوه می‌نماید. آموزش‌های رسمی در قالب تحصیلات ابتدایی شهروندان را از همان سنین پایین به سمت‌وسوی دفاع از ارزش‌ها و اهداف نظام‌های ایدئولوژیک و ایدئولوژی رسمی و حاکم سوق می‌دهد و رفته‌رفته نیز حضور افراد در اجتماع و افزایش سطح ارتباطات، حجم وسیعی از داده‌های کنترل‌شده و دسته‌بندی‌شده را به فرد تحمیل می‌نماید. شاید آزادی فکر و اندیشه، این امکان را فراهم سازد که شخص به‌دوراز فضای تبلیغاتی حاکم، به ارزش‌ها و مطالبات خود و راهکارهای رسیدن به چنین خواست‌ها و ارزش‌هایی بیندیشد. اما نظام‌های ایدئولوژیک پایبند این آزادی نیستند و در لایه فعالیت‌ها و برنامه‌ها و نحوه فعالیت آن‌ها می‌توان استنباط کرد که حاضر به استقلال ذهنی شهروندان و به عبارت بهتر حکومت‌شوندگان تحت فرمان خود نیستند. حال نکته اینجاست که مشروعیت برخاسته از چنین اذهانی، به چه میزان پذیرفتنی است؟!

اگر قائل به آزادی بشر و انتخاب‌گری او باشیم باید بپذیریم، زمانی مشروعیت دولت پذیرفتنی است که ناشی از انتخاب‌گری‌های ذهن مستقل بشری باشد؛ درحالی‌که رضایت مردم در نظام‌های ایدئولوژیک حتی اگر برخاسته از انتخابات و رأی آن‌ها باشد فاقد ارزش تلقی می‌شود زیرا ابراز رضایت آن‌ها ناشی از القائات کنترل‌شده توسط دولت بوده است. اعتقاد مردم به نظام را می‌توان در حضور میلیونی مردم در صحنه‌های مختلف که متقارن با مناسبت‌های خاصی مانند راهپیمایی‌های روز جهانی قدس، ۲۲ بهمن و ... به عیان دید.

از آنجاکه مشارکت سیاسی در دل یک نظام سیاسی که دارای مشروعیتی مشخص است رخ می‌دهد و هر یک از اقسام مشروعیت، میزان و سطح خاصی از مشارکت سیاسی را برمی‌تابند، بنابراین

در نظام‌های سیاسی که دارای مشروعیت‌های متفاوت هستند، میزان و سطح مشارکت سیاسی نیز متغیر و متفاوت است. از دیگر سوی، نوع مشروعیت هر نظام بیان‌کننده استعداد، ظرفیت و قابلیت آن حکومت برای تحقق مشارکت سیاسی است؛ بنابراین می‌توان با بررسی میزان تحقق مشارکت سیاسی در هر جامعه، به شناخت مشروعیت واقعی آن جامعه پی برده و مشروعیت‌های کاذب را از مشروعیت‌های حقیقی بازشناسیم و «بودها» را از ورای غبار «نبودها» مشخص کنیم. هر نوع مشروعیتی؛ یا به عبارتی هر نوع حکومتی که بر مبنای یکی از اقسام مشروعیت بنیان نهاده شده و قیام و قوام پیدا کرده است، ظرفیت و استعداد خاصی را برای مشارکت سیاسی دارد؛ یعنی در نظام‌هایی که مشروعیت آن‌ها سنتی و اقتدارگرایانه و موروثی است این ظرفیت و استعداد برای مشارکت سیاسی به حداقل خود می‌رسد، در حالی که در حکومت‌هایی که مشروعیت آن‌ها بر اساس نوعی قرارداد اجتماعی است، مشارکت سیاسی تا حد بالایی تحقق پیدا می‌کند. «در یک جمع‌بندی اگر بخواهیم اهم موارد سطوح مشارکت سیاسی را بر مبنای مشروعیت برشماریم، به ترتیب اهمیت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی در پنج سطح به شرح ذیل است:

سطح یک: رأی دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولان سیاسی و اجتماعی؛
سطح دو: آزادی بیان و شرکت در تشکلهای فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی؛

سطح سه: نامزد شدن جهت پست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی؛

سطح چهار: دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری؛

سطح پنج: اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی. «(فیرحی، ۱۳۷۷: ۱۳۸) در ارزیابی این سطوح باید گفت که از لحاظ اولویت و اهمیت و نیز میزان تأثیرگذاری سطح پنجم تأثیرگذارترین و پر اهمیت‌ترین سطح است ولی از لحاظ پراکندگی در سطح اول بیشترین میزان مشارکت سیاسی وجود دارد که مشروعیت نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به تبع محدودیت در مشارکت‌های سیاسی، عرصه نقد فعالیت‌ها و برنامه‌های دولت تنگ و تنگ‌تر خواهد شد تا جایی که دولت تاب پذیرش نقدها و اصلاحات در راستای رفع نواقص را نخواهد داشت و هرگونه نقدی را نه‌تنها برنخواهد تابید بلکه به شدت به سرکوب آن خواهد پرداخت و این امر می‌تواند تا جایی پیش رود که حکومت شکل و ظاهری استبدادی پیدا کند.

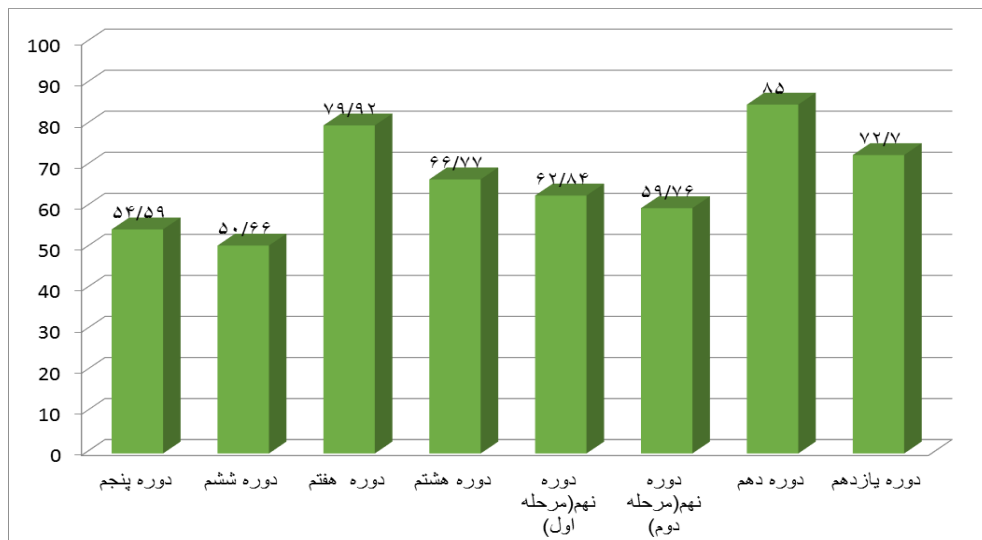
اراده عمومی شهروندان هر جامعه‌ای، زمانی می‌تواند ابراز گردد که به صورت عینی چنین امکانی فراهم آید. فرآیند انتخابات جهت کسب مناصب حکومتی مختلف، بستر مناسبی جهت ابراز این اراده به شمار می‌رود. شناسایی حق رأی در واقع از دو جنبه قابل بررسی است: نخست آنکه دولت قصد کرده تا مشروعیت را بر مبنای اراده عمومی استوار سازد و دوم آنکه حضور اکثریت یک

جامعه در فرآیند انتخابات می‌تواند، نشانی از رضایت مردم از نحوه اداره جامعه از سوی دولت تلقی شود. در جهان معاصر ارزش‌ها و خواست‌های انسان‌ها و مطالبه آن‌ها از دولت به صورت مستقیم، اگر امری ناممکن نباشد، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به هر حال فراهم کردن امکان انتخاب، اقدامی است جهت تحقق آنچه افراد از دولت مطالبه دارند؛ و این مهم زمینه‌ای برای تأمین رابطه مردم و حاکمیت است؛ لذا در این بخش ابتدا، ابعاد مربوط به حق انتخاب بیان شده سپس مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری دولت‌های پنجم تا یازدهم مورد بررسی قرار گرفته است. آرای شهروندان در واقع مهر تأییدی بر صلاحیت افرادی است که از سوی آن‌ها مورد انتخاب واقع می‌شوند و به نوعی مهر تأییدی است بر شرایط موجود و توجیه شکل کلی یک نظام سیاسی؛ بنابراین رایج‌ترین راه‌نشان دادن رضایت عمومی، انتخابات عمومی است. حتی دولت‌های تک‌حزبی، مانند رژیم‌های کمونیستی ارتدکس، حفظ انتخابات را به امید تولید مشروعیت مطلوب یافتند. اما چون این دولت‌ها تک‌حزبی بودند و انتخابات تک‌نامزدی برگزار می‌کردند، از نظر ارزش تبلیغاتی، چندان برجسته نبودند. در مقابل، نظام‌های انتخاباتی باز و رقابت‌آمیز که نوعاً در دموکراسی‌های لیبرال دیده می‌شوند، امکان‌گزینهش معنادار و بنابراین اختیار تغییر سیاستمداران و حزب‌هایی را که فکر می‌شود در کار خود شکست خورده‌اند، به شهروندان می‌دهد. در چنین اوضاع و احوالی، دادن رأی، بیان واقعی رضایت فعال به شمار می‌رود. از این چشم‌انداز می‌توان گفت رژیم‌های لیبرال دموکراسی می‌توانند به سبب گرایش به مشترک بودن در قدرت با عموم مردم، مشروعیت خود را حفظ کنند.

انتخابات زمانی که با حضور طیف‌های گسترده احزاب برگزار می‌گردد، انعکاس واقعی از اراده عمومی نیز به شمار می‌رود و حکومت‌کنندگان برآمده از انتخابات یادشده، آشنا به خواست‌ها و مطالبات اکثریت مردم خواهند بود. رهبری نیز در این زمینه می‌فرماید: «... از لحاظ سیاسی ثبات و استقرار کاملی در ایران اسلامی وجود دارد و پس از گذشت ۱۸ سال از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات شکوهمندی با حضور اکثریت قاطع مردم در این کشور انجام شد که حتی در کشورهای مدعی دموکراسی انتخاباتی به‌خوبی شیوایی و زیبایی انتخابات ما نمونه نداشته است و مردم ما عملاً اثبات کردند که به اسلام و روحانیت و حکومت دینی وفادارند.» (www.leader.ir؛ ۱۳۷۶/۰۵/۰۱) از این رو، می‌توان گفت رابطه مردم با حاکمیت از طریق انتخابات میسر می‌شود به عبارت دیگر چنانچه ابراز اراده عمومی که خود به نوعی مبین مشروعیت دولت‌ها به شمار می‌رود، درصد بالایی به خود بگیرد. میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری بعد از خاتمه جنگ تا دوره یازدهم شاهد این مدعا است.

این حد از مشارکت، از یک‌سو بیانگر توجه مردم به تعیین حق سرنوشت خود بوده و از سوی دیگر رابطه مردم با حاکمیت نظام را تأیید می‌نماید. بنابراین وجهه جمهوری‌ت نظام را در پی داشته و مبانی محکم ولایت‌فقیه را در برقراری رابطه معنوی مردم با رهبر روحانی و نیز انطباق قوانین با شرع

مقدس اسلام نشان می‌دهد لذا از این منظر می‌توان گفت: نظام جمهوری اسلامی ایران از ذخیره کافی مشروعیتی برخوردار است. مقام رهبری در این زمینه فرموده‌اند: «... ملت بزرگ ایران با حضور پرشور و صمیمانه خود در انتخابات ریاست جمهوری، انتخاباتی می‌آفریند که دشمن را خشمگین کند. پادشاهان مستبد قاجار و پهلوی، کشور را ملک خود و ملت را رعیت خود می‌دانستند و در غیاب حضور مردم هر آنچه دستگاه قدرت اراده می‌کرد از صندوق‌های رأی درمی‌آمد اما انقلاب اسلامی، ورق را به کلی برگرداند و «مردم» را روی کار آورد. این روند در تمامی سی سال اخیر با قوت و قدرت ادامه یافته اما دشمنانی که منافع نامشروع آنان در ایران قطع شده است با نادیده گرفتن یا انکار پدیده مبارک و با ارزش حضور مردم در مدیریت کشور همواره تلاش کرده‌اند به انتخابات ایران خدشه وارد کنند، با حضور پراکنجه مردم همواره انتخاباتی سالم متقن و خوبی در ایران برگزار شده اما متأسفانه برخی دوستان بی‌انصاف و کسانی که جزو ملت هستند و توقع دارند مردم به آن‌ها توجه کنند با ناسپاسی علیه ملت حرف می‌زنند و با تکرار حرف دروغ دشمن سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برند. سلامت همه انتخابات گذشته نتیجه زحمات مسئولان و ملت است. در یکی دو انتخابات شبهاتی برای عده‌ای پیش‌آمده بود اما تحقیق و بررسی دقیق نشان داد که خدشه‌ای به آن انتخابات هم وارد نیست... (www.leader.ir; ۱۳۸۸/۰۲/۰۹) بنابراین رابطه مردم و حاکمیت که بارها در انتخابات گوناگون به‌ویژه ریاست جمهوری به نمایش درآمده به‌عنوان عاملی مؤثر در مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران است.



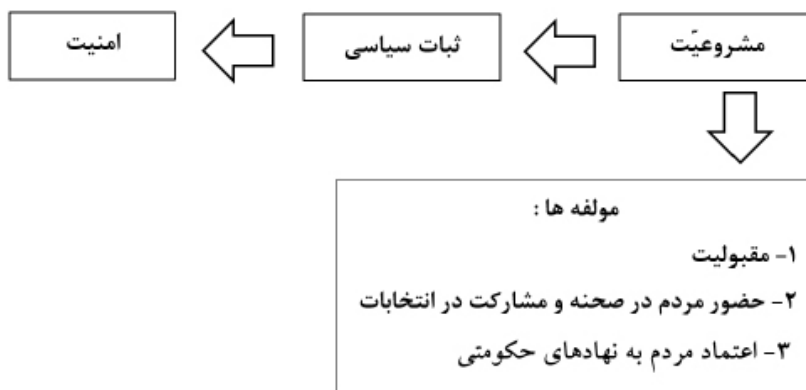
میزان مشارکت مردم در هشت دوره انتخابات ریاست جمهوری (سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۲)

۳. اعتماد مردم به نهادهای حکومتی:

اعتماد رابطه مطالبات مردم با نهادهای حکومتی را بیان می‌کند که در انطباق محیط اجتماعی پیچیده، باهدف استفاده از فرصت‌های فزاینده موجود، شکل می‌گیرد. در این محیط اجتماعی، ماهیت و جهت رفتار مردم نسبت به رفتار یا کنش احتمالی دولتمردان سنجیده می‌شود. کسی که اعتماد می‌کند تا حدی قادر به پیش‌بینی آینده و تا حدی نگران تحولات آتی است. آنکه اعتماد می‌کند مخاطره کرده و فرصت ارزشمندی را در اختیار طرف مقابل قرار می‌دهد.

پس از درک معنا و ویژگی‌های اعتماد پرسش این است که اجزای اعتماد کدامند، چه مؤلفه‌هایی اعتماد را تشکیل می‌دهند؟ نظریه‌پردازان، بحث‌های مفصلی را در باب موضوعات اعتماد و این‌که اعتماد به چه چیزهایی باید تعلق گیرد، طرح کرده‌اند. با این توضیح و با اتکا بر نظریه‌های معتبر در حوزه سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های اعتماد بدین قرارند:

«اولاً اعتماد اجتماعی و اعتماد سیاسی با یکدیگر رابطه نزدیکی ندارند؛ ثانیاً، اعتماد اجتماعی و سیاسی، با متغیرهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ارتباطند هرچند این ارتباط ضعیف و بعضاً تصادفی است؛ ثالثاً، اعتماد اجتماعی و سیاسی، ربطی به عضویت در انجمن‌های داوطلبانه نیز ندارند. به این ترتیب، نظریه‌هایی که مبتنی بر این‌گونه ارتباطها از یک‌سو و رابطه اعتماد با دموکراسی، از سوی دیگر، هستند، زیر سؤال می‌روند.» جابه‌جایی دولت‌های چهارساله یا هشت‌ساله موجب می‌شود که نارضایتی‌ها از وضع موجود و از عملکردها و ناکارآمدی‌ها فروکش کند و التیام یابد و آسیبی به سرمایه سیاسی ثابت، یعنی نظام سیاسی جمهوری اسلامی و ولایت و اسلام وارد نشود. به همین دلیل، امام خمینی رحمه‌الله در تنها انتخاباتی که رأی خود را آشکار کردند، انتخابات و فراندوم نظام سیاسی بود. ایشان قبل از انتخابات گفتند: رأی من «جمهوری اسلامی» است. رهبری معظم هم همین مسیر را ادامه داده‌اند و رأی خود به اشخاص را مخفی نگه‌داشته‌اند تا سرمایه سیاسی ثابت برای هویت‌های متغیر و اشخاص هزینه نشود. (برزگر، www.khamenei.ir) نمودار زیر بیانگر نقش‌آفرینی، مؤلفه‌های مشروعیت در ثبات و امنیت است.



تجزیه و تحلیل داده‌ها:

با توجه به آنچه از مباحث نظری و پیشینه موضوع تحقیق بیان شد، تجزیه و تحلیل مطالعه وضعیت ثبات و بی ثباتی سیاسی ایران بر مبنای تأثیر عامل مشروعیت و مؤلفه‌های آن در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲، به شرح زیر به دست آمده است:

برابر مطالعات انجام یافته و نیز بر مبنای نظرات تخصصی اعضای دلفی، وزن مؤلفه‌های عامل مشروعیت در جدول ذیل آمده است. (شایان ذکر است که مبنای وزن دهی نظرات ۲۰ نفر از استادان صاحب نظر که در روش دلفی مورد پرسش قرار گرفته‌اند، است.)

عامل	مؤلفه‌ها	وزن مؤلفه‌ها
مشروعیت	مقبولیت	۱۷
	حضور مردم در صحنه و مشارکت در انتخابات	۱۸
	اعتماد مردم به نهادهای حکومتی	۱۵

وزن دهی عامل مشروعیت و مؤلفه‌های مؤثر آن بر ثبات سیاسی در ایران بعد از جنگ

همان گونه که بیان شد، از شیوه دلفی در تحقیق حاضر برای گردآوری اطلاعات بهره‌برداری شده است لذا در این بخش با بررسی داده‌های پژوهشی حاصل از پرسشنامه دلفی، ابتدا متن هر یک از سؤالات به ترتیب درج، سپس تحلیل توصیفی و استنباطی آن‌ها در قالب جداول و نمودارهای ذیل آمده است:

سؤال ۱: حضور مردم در صحنه و مشارکت در انتخابات به عنوان یکی از مولفه‌های مشروعیت به چه میزان در ثبات سیاسی ایران پس از جنگ (بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲) مؤثر بوده است؟

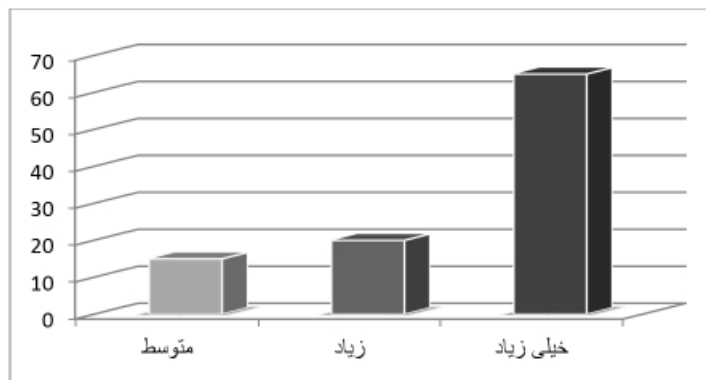
مقدار	گزینه‌ها	مقدار	گزینه‌ها
۱/۱۹۵	چولگی	۲۰	تعداد داوران
۰/۵۱۲	خطای استاندارد چولگی	۰	پاسخ نداده
-۰/۰۳۷	کشیدگی	۳/۵۰۰	میانگین
۰/۹۹۲	خطای استاندارد کشیدگی	۰/۱۷۰	خطای استاندارد میانگین
۲/۰۰	دامنه	۳/۰۰	میانه
۳/۰۰	کمینه	۳/۰۰	نما
۵/۰۰	بیشینه	۰/۷۶۰	انحراف استاندارد
۷۰/۰۰	مجموع	۰/۵۷	واریانس

مشخصه‌های آماری سؤال ۱

گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیر درصد	درصد تجمعی
خیلی زیاد	۱۳	۶۵/۰	۶۵/۰	۶۵/۰
زیاد	۴	۲۰/۰	۲۰/۰	۸۵/۰
متوسط	۳	۱۵/۰	۱۵/۰	۱۰۰/۰
مجموع	۲۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

توزیع فراوانی سؤال ۱

داده‌های مشخصه‌های آماری مربوط به سؤال ۱ نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد به ترتیب ۳.۵، ۳ و ۰.۷۶ است. توزیع دارای کجی منفی بوده و نسبت به توزیع نرمال از خوابیدگی برخوردار است. کمینه و بیشینه مقادیر بین ۳ تا ۵ در نوسان است. اطلاعات آماری توزیع فراوانی نیز نشان می‌دهد که ۶۵٪، ۲۰٪ و ۱۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها به ترتیب در حد خیلی زیاد، زیاد و متوسط، نسبت به محتوای سؤال ۱ دارند. اطلاعات تصویری در نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار میله‌ای سؤال ۱

سؤال ۲: مقبولیت نظام به عنوان یکی از مولفه‌های مشروعیت به چه میزان در ثبات سیاسی ایران پس از جنگ مؤثر بوده است؟

مقادیر	گزینه‌ها	مقادیر	گزینه‌ها
-۰/۲۱۸	چولگی	۲۰	تعداد داوران
۰/۵۱۲	خطای استاندارد چولگی	۰	پاسخ نداده
- ۲/۱۸۳	کشیدگی	۴/۵۵۰۰	میانگین
۰/۹۹۲	خطای استاندارد کشیدگی	۰/۱۱۴۱۳	خطای استاندارد میانگین
۱/۰۰	دامنه	۵/۰۰	میانه
۴/۰۰	کمینه	۵/۰۰	نما
۵/۰۰	بیشینه	۰/۵۱۰۴۲	انحراف استاندارد
۹۱/۰۰	مجموع	۰/۲۶۰۵۳	واریانس

مشخصه‌های آماری سؤال ۲

گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیر درصد	درصد تجمعی
خیلی زیاد	۱۱	۵۵/۰	۵۵/۰	۵۵/۰
زیاد	۹	۴۵/۰	۴۵/۰	۱۰۰/۰
مجموع	۲۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

توزیع فراوانی سؤال ۲

داده‌های جدول مشخصه‌های آماری سؤال ۲ نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد به ترتیب ۵۵.۴، ۵ و ۵۱.۰ است. توزیع دارای کجی منفی بوده و نسبت به توزیع نرمال از خوابیدگی نسبتاً زیاد برخوردار است. کمینه و بیشینه مقادیر بین ۴ تا ۵ در نوسان است. اطلاعات آماری جدول توزیع فراوانی نیز نشان می‌دهد که ۵۵٪ و ۴۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها به ترتیب در حد خیلی زیاد و زیاد نسبت به محتوای سؤال ۲ نظر مساعدی دارند. اطلاعات تصویری در نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار میله‌ای سؤال ۲

سؤال ۳: اعتماد مردم به نهادهای حکومتی به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های مشروعیت نظام به چه میزان در ثبات سیاسی ایران پس از جنگ مؤثر بوده است؟

مقادیر	گزینه‌ها	مقادیر	گزینه‌ها
-۰/۴۱۸	چولگی	۲۰	تعداد داوران
۰/۵۱۲	خطای استاندارد چولگی	۰	پاسخ نداده
۰/۸۲۶	کشیدگی	۳/۲۵۰۰	میانگین
۰/۹۹۲	خطای استاندارد کشیدگی	۰/۱۶۰۱۸	خطای استاندارد میانگین
۲/۰۰	دامنه	۳/۰۰۰	میانه
۲/۰۰	کمینه	۳/۰۰	نما
۴/۰۰	بیشینه	۰/۷۱۶۳۵	انحراف استاندارد
۶۵/۰۰	مجموع	۰/۵۱۳۱۶	واریانس

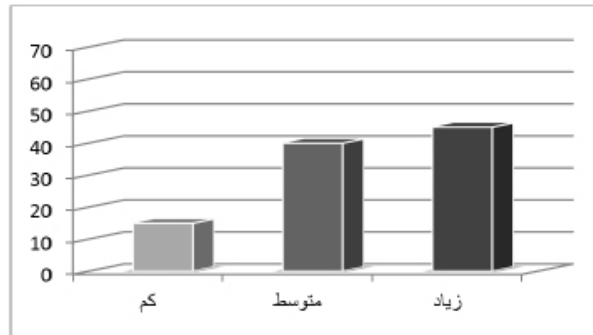
مشخصه‌های آماری سؤال ۳

گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیر درصد	درصد تجمعی
زیاد	۹	۴۵/۰	۴۵/۰	۴۵/۰
متوسط	۸	۴۰/۰	۴۰/۰	۸۵/۰
کم	۳	۱۵/۰	۱۵/۰	۱۰۰/۰
مجموع	۲۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

توزیع فراوانی سؤال ۳

داده‌های جدول مشخصه‌های آماری سؤال ۳ نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد به ترتیب ۳، ۲۵ و ۷۱ است. توزیع دارای کجی منفی بوده و نسبت به توزیع نرمال از خوابیدگی برخوردار است. کمینه و بیشینه مقادیر بین ۲ تا ۴ در نوسان است. اطلاعات آماری جدول توزیع فراوانی نیز نشان می‌دهد که ۴۵٪، ۴۰٪ و ۱۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها به ترتیب در حد زیاد، متوسط و کم نسبت به محتوای سؤال ۳ نظر مساعدی دارند.

اطلاعات تصویری در نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار میله‌ای سؤال ۳

«بنابراین در بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ مؤلفه‌های مشروعیت، به شرح ذیل بیشترین وزن را در ثبات سیاسی و امنیت ایران دارا بوده‌اند.»

رتبه	عنوان متغیر	سؤال	اولویت
۸۵/۲	مقبولیت	۲	۱
۷۰/۱	حضور مردم در صحنه و مشارکت در انتخابات	۱	۲
۴۵/۱	اعتماد مردم به نهادهای حکومتی	۳	۳

آزمون فریدمن در خصوص مؤلفه‌های عامل مشروعیت

Test Statistics(a)

N	۲۰
Chi-Square	۲۷/۰۳۰
df	۲
Asymp. Sig.

Friedman Test

تفاوت بین میانگین‌های رتبه‌بندی شده معنی‌دار بوده ($\text{Sig} = 0.004 < 0.05$) و به عبارت دیگر میزان اثربخشی هر یک از مؤلفه‌های بالا در ثبات سیاسی ایران متفاوت بوده به طوری که رابطه مردم و حاکمیت با بیشترین اثرگذاری و اعتماد مردم به نهادهای حکومتی با کم‌ترین تأثیر در ایجاد مشروعیت نظام و در نتیجه ثبات سیاسی مطرح می‌شوند.

جمع‌بندی یافته‌های آماری مربوط به سؤالات سه‌گانه این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. میانگین نظرات نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «توانایی ایجاد و حفظ اعتقاد به نظام» را در مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی و امنیت ایران مؤثر تلقی نموده‌اند.
۲. میانگین نظرات نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «رابطه مردم و حاکمیت» را در مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی و امنیت ایران مؤثر ارزیابی کرده‌اند.
۳. میانگین نظرات نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از اعضای جامعه آماری در حد زیاد و خیلی زیاد مولفه «اعتماد مردم به نهادهای حکومتی» را برای مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی و امنیت ایران مؤثر دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری:

در خصوص مفهوم مشروعیت با دو مطلب مواجه هستیم: اول، ایجاد حق حکومت برای حاکمان و دوم، پذیرش آن حق از جانب مردم. در واقع توجیه حق حکومت برای حاکمان و دوم، پذیرش آن حق از جانب مردم. در واقع توجیه حق حکومت برای حاکمان و پذیرش آن حق از سوی حکومت شوندگان تشکیل‌دهنده اجزای مفهومی مشروعیت هستند. اگر حکومت حکومتمگران و حکومت‌پذیری حکومت شوندگان را الزام و التزام سیاسی بنامیم، می‌توان گفت که پرسش از چرایی الزام و التزام سیاسی پرسش از مشروعیت است. مشروع بودن یک نظام سیاسی، یعنی اینکه آن نظام مبین اراده عمومی است و توانایی ایجاد و حفظ این اعتقاد را دارد که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند. بدین‌سان اقتدار و مشروعیت، هر دو، ارتباطی نزدیک با مفهوم تعهد و الزام به فرمان‌برداری می‌یابند و اقتدار، متضمن فرض مشروعیت می‌گردد. مشروعیت، باور بدین امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور مفروض، محقق است فرمان صادر کند و شهروندان موظف‌اند به آن گردن نهند. مفهوم مشروعیت را می‌توان از طریق پیمایش، یعنی اندازه‌گیری اعتماد مردم به نهادهای حکومتی، ایمان به رهبران و میزان حمایت از نظام‌ها، موردسنجش قرارداد. چنانچه مردم باور داشته باشند که نهادهای جامعه‌ای مفروض، مناسب و از نظر اخلاقی موجه است، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای یادشده، مشروع است. بدین‌سان می‌توان گفت اصولاً مشروعیت به رابطه مردم و حاکمیت بازمی‌گردد؛ به‌علاوه امری ذهنی است و بنابراین در جوامع مختلف، در ابعاد و سطوح متفاوتی معنا پیدا می‌کند و نمی‌توان قالب‌های عینی مشخصی برای آن در نظر گرفت لذا در هر جامعه، میزان سنجش مشروعیت سیاسی با جامعه دیگر متفاوت است. گروهی نیز مشروعیت سیاسی را با کارآمد بودن نظام سیاسی یکسان می‌دانند؛ یعنی تنها آنگاه یک نظام سیاسی از مشروعیت برخوردار است که وظایف و کارکردهای متفاوت خویش را به‌درستی انجام می‌دهد. این برداشت از مفهوم مشروعیت، قرائتی کارکردگرایانه از نظام سیاسی دارد در مجموع، مشروعیت از سه مولفه مقبولیت، حضور در صحنه (مشارکت در انتخابات) و اعتماد به نهادهای حکومتی برخوردار است. در این خصوص نیز باید توجه داشت که هیچ قدرت

سیاسی، صرف نظر از منابع مشروعیتی و نوع رژیم سیاسی، بدون وجود حداقلی از «اعتقاد و باور» استمرار پیدا نمی کند. اعتماد مردم به شرعی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران و ابراز علاقه آنها در قالب رابطه با حاکمیت که رضایتمندی را به دنبال داشته باشد و نیز اعتماد مردم به نهادهای حکومتی در زمینه تحقق مطالباتشان مهر تأییدی بر ذخیره کافی مشروعیتی نظام جمهوری اسلامی ایران است که این مهم در مقطع زمانی پس از اتمام جنگ تحمیلی (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲) تداوم داشته است.

منابع:

۱. پای، لوسین. (۱۳۸۰). **بحران‌ها و توالی‌ها**. ترجمه غلام‌رضا خواجه‌سروی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. حائری، محمدحسن. (بهار ۱۳۸۳). «مردم‌سالاری دینی و مسئله مشروعیت». **مجله مطالعات اسلامی**، شماره ۶۳.
۳. زارع، عباس. (۱۳۸۰). **مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۵**. تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش.
۴. فیرحی، داود. (تابستان ۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی». **فصلنامه علوم سیاسی**؛ قم: موسسه باقرالعلوم، سال اول، شماره اول.
۵. قوام، عبدالعلی. (۱۳۶۴). **توسعه سیاسی و تحول اداری**؛ تهران: سمت.
۶. گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**؛ ترجمه علیرضا طیب؛ تهران: نشر نی.
۷. گلیانی، علی. (۱۳۷۸). **مشروعیت و ثبات سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۲)**. رساله دوره دکتری؛ دانشگاه تربیت مدرس.
۸. لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۷۳). **حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی**؛ تهران: سروش.
۹. لپیست، سیمور مارتین. (۱۳۸۵). **دایره المعارف دموکراسی**. ترجمه: کامران فانی، نوالله مرادی؛ تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
۱۰. لاریجانی، صادق. (بهار ۱۳۸۱). «مبانی مشروعیت حکومت‌ها». **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره سوم.
۱۱. نصری، قدیر. (۱۳۹۰). **درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای**؛ نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

12. www.leader.ir

13. www.khamenei.ir